

نگاهی به شبکه معنایی دو تکواژ /-oir/ (e) و /-atoire/ در زبان فرانسه با رویکرد تطبیقی^۱

ناهید جلیلی مرند^۲

ساناز دهخوارقانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در پژوهش حاضر، به بررسی و تحلیل ساختار نحوی و شبکه معنایی دو تکواژ پُرسامد /-oir/ و /-atoire/ در زبان فرانسه پرداخته‌ایم. بر پایه رویکرد تحلیلی مقاله، معادل فارسی واژگان پیکره پژوهش را نیز بررسی کرده‌ایم تا روند اشتقاق آن‌ها را در هر دو زبان مقایسه کنیم و ببینیم آیا در فارسی نیز در همان شبکه معنایی قرار می‌گیرند یا معانی دیگری نیز می‌توانند در این زبان داشته باشند. این تکواژها که به صورت پسوند استفاده می‌شوند، در رایج‌ترین حالت خود «مکان‌ساز» هستند، مانند کاربرد این پسوند در واژه «Abattoir» به معنای «کشتارگاه» و یا در واژه «Laboratoire» به مفهوم «آزمایشگاه». با این وجود، نکته مهم این است که مکان‌های مورد نظر همیشه واقعی نیستند و گاه به صورت مجازی به کار می‌روند، مانند کاربرد این پسوند در واژه «Mémoire» به معنای «حافظه» که در واقع مکانی برای حفظ مطالب است. بر پایه نقش پسوند /-oir/ در واژه «Arrosoir» به معنای «آب‌پاش» و پسوند «صفت‌ساز» /-atoire/ در واژه

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.29683.1820

^۲ دکترای تخصصی زبان و ادبیات فرانسه، دانشیار گروه زبان فرانسه، هیأت علمی دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)؛

djalili@alzahra.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد مترجمی زبان فرانسه، گروه زبان فرانسه، دانشگاه الزهراء (س)؛

s_dehkharghani@yahoo.com

«Evocatoire» به مفهوم «احضارکننده»، ساختار ویژه‌ای در هر دو زبان وجود دارد که با شرح جزئیات و آوردن نمونه‌های گوناگون، به مطالعه آن‌ها نیز پرداخته‌ایم. همچنین در این پژوهش، به استثنای هر گروه از واژگان نیز اشاره شده و به این ترتیب می‌توان ادعا نمود که تحلیل این دو تکواژ در زبان فرانسه و معادل‌هایشان در فارسی از ورای نمونه‌های گوناگون و متنوع، امکان مقایسه ساختار نحوی، شبکه معنایی و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را برای خواننده فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شبکه معنایی، تکواژ مکان ساز، تکواژ ابزارساز، فرایند اشتقاق، ساختار نحوی واژه

۱. مقدمه

زبان مهمترین ابزار ارتباطی در میان انسان‌هاست و به عنوان پدیده‌ای زایا و پویا از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است. همزمان با تحولات هر جامعه‌ای، زبان آن نیز «این قدرت را دارد که با توجه به نیازهای زمانی و اجتماعی به طور پیوسته واژه‌های جدیدی بسازد و قدیمی‌ترها را از چرخه گفتگو و نگارش خارج کند.» (Dehkharghani & Djalili Marand, 2020, p. 38) به این دلیل، ما شاهد گسترش دایره واژگان در هر زبانی هستیم که گویشوران آن را برای بیان مفاهیم و برقراری ارتباط به کار می‌برند. از سوی دیگر، امکان‌گزینش و به‌کارگیری سریع و آسان واژگان در گفتار نشان از آن دارد که واژه‌ها با نظم و منطق دقیقی در ذهن گویشوران نقش بسته‌اند. این ساختار نظام‌مند بی‌گمان به تولید نوواژه‌ها به یاری گستره واج‌های موجود و در قالب قوانین نحوی کمک می‌کند و به یقین می‌توان گفت که تولید واژگان جدید با ساختار نحوی مشابه در یک زبان تصادفی نیست. بررسی ساختمان واژگان، قواعد واژه‌سازی و توصیف انواع ساخت‌ها در چهارچوب علم صرف قرار می‌گیرد، علمی که به عنوان یکی از شاخه‌های مطالعاتی زبان به بررسی درونی ساختار واژه‌ها پرداخته و چگونگی ترکیب تکواژها و تولید نوواژه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در میان تکواژهای چندمعنایی پُربسامد در زبان فرانسه می‌توان پسوندهای /-oir/ و /-atoire/ را نام برد. این دو پسوند که از نظر آوایی، شباهت بسیاری با هم دارند، به ریشه فعل و اسم پیوسته شده و طیف گسترده‌ای از واژه‌ها را در شبکه معنایی وسیعی به وجود می‌آورند.

در پژوهش حاضر، با استناد به این علم و فرایندهای واژه‌سازی - به طور خاص تر فرایند اشتقاق - بر آن شدیم تا به تجزیه و تحلیل برخی از واژه‌هایی پردازیم که در زبان فرانسه با این دو تکواژ ساخته شده‌اند. در این راستا، ابتدا نگاهی اجمالی به روند زایش این گروه از واژگان در

زبان خواهیم داشت. سپس، به بیان پاره‌ای از مفاهیم بنیادی و مطالعه ساخت‌واژه در علم صرف می‌پردازیم. در پایان، با استفاده از رویکرد اشتقاقی و مقایسه‌ای، به منظور توصیف ساختمان و چگونگی تولید، واژگان مورد اشاره را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۲. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه دو تکواژ پسوندی /-oir/- و /-atoire/- در زبان فرانسه بسیار به هم نزدیک بوده و می‌توان گفت هم آوای تقریبی هستند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا هر دو در یک شبکه معنایی قرار می‌گیرند؟ و در این راستا، چگونگی اشتقاق و تولید نوآژه‌ها با این دو تکواژ از خط سیر نحوی یکسان پیروی می‌کند؟ وجه اشتراکی میان این تکواژها، ساختار نحوی‌شان در فرایند اشتقاق و معادل‌هایشان در دو زبان فارسی و فرانسه می‌توان یافت؟ معادل فارسی واژه‌های فرانسه که با این تکواژها ساخته شده‌اند هم واژگان مشتق هستند؟ در صورت جواب مثبت، این گروه از واژه‌ها با چه پسوندهایی در زبان فارسی ساخته می‌شوند؟

پیش از بررسی و تجزیه واژگانی که به عنوان پیکره پژوهش انتخاب کردیم، چنین گمان می‌رود که با توجه به شباهت آوایی دو تکواژ، هر دو از یک ریشه بوده و عملکرد مشابهی دارند. در نتیجه این دو در یک شبکه معنایی قرار گرفته و باید معنای یکسانی داشته باشند. به همین دلیل این دو تکواژ در تولید نوآژه‌ها با بهره‌جستن از فرایند اشتقاق از ساختار نحوی یکسانی پیروی کرده و ساخت‌واژه مشابهی دارند. همچنین فرض می‌شود که معادل فارسی این واژگان مشتق فرانسه نیز از جمله واژه‌های مشتق هستند ولی احتمال وجود واژه‌های بسیط یا مرکب را نیز در میان معادل‌ها دور از ذهن نمی‌دانیم.

با در نظر گرفتن این پرسش‌ها و فرضیه‌ها، برای شروع پژوهش، فهرستی از واژه‌های ساخته شده با این دو تکواژ را به عنوان پیکره پژوهش تهیه کرده و برای نظم بخشیدن به شبکه معنایی آن‌ها، ابتدا طبقه‌بندی هر یک را بر اساس ساختمان و تغییراتی که در آن‌ها انجام گرفته بررسی می‌کنیم. سپس، به طور جداگانه بر روی تک تک واژه‌ها، مطالعه صرفی و به بیان دقیق‌تر اشتقاقی انجام می‌دهیم تا به این ترتیب ریشه هر یک را شناسایی کنیم. آن‌گاه پس از معادل‌یابی هر واژه در فارسی و تجزیه ساختار آن، شبکه معنایی این پسوندها را در دو زبان به صورت تطبیقی تجزیه و تحلیل خواهیم کرد. در این راستا، به بررسی معنای واژه‌ها نیز می‌پردازیم تا از وجود احتمالی معنای ضمنی، اصطلاحی، استعاری، کنایی، مجازی و نمادین آن‌ها آگاه شویم.

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه تکواژهای پسوندی پژوهش‌های گوناگونی انجام شده که در این آثار، پژوهشگران به بررسی پسوند‌های مختلف مکان‌ساز، گذشته‌ساز، اسم فاعل‌ساز و موارد مشابه پرداخته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به مواردی اشاره نمود: مقاله‌ای با نام «بررسی شبکه معنایی پسوند مکان‌ساز «گاه» با رویکردی شناختی» از حدائق رضایی و عادل رفیعی (Hadaegh Rezaee & Rafiee, 2016)، که در شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۵ مجله زبان پژوهی به چاپ رسیده است. همچنین مقاله‌ای با موضوع «تکواژ «خانه» و عملکرد معنایی آن در ساخت واژه زبان فارسی»، به قلم بهروز محمودی بختیاری (Mahmoodi Bakhtiyari, 2000) به نگارش در آمده و در مجله زبان و ادب پارسی، شماره ۹، پائیز و زمستان ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. «پسوند گذشته ساز در لری کهگیلویه و بویراحمد و رفتار تلفظی آن»، مقاله دیگری است از یدالله پرمون و همکاران (Parmon et al., 2015) در مجله زبان پژوهی، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۴. «بازسازی تکواژ مجهول ساز در گذشته زبان فارسی» چاپ شده در مجله زبان و ادب پارسی، شماره ۲۶، ۱۳۸۴ کاری است از مجتبی منشی‌زاده (Monshi Zadeh, 2006) که بررسی تکواژی پربسامد در زبان فارسی است.

در پیوند با شبکه معنایی تکواژها، مقالات زیر یافت شدند: «چند معنایی پسوند -ی فارسی: کندو کاوی در چارچوب ساخت‌واژه ساختی»، به قلم پارسا بامشادی و فریبا قطره (Bamshadi & Ghatreh, 2018) که در مجله جستارهای زبانی، شماره ۷، ویژه نامه زمستان ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. «چند معنایی پسوند -انه فارسی: رویکرد ساخت‌واژه ساختی»، مقاله دیگری در این زمینه است که به قلم پارسا بامشادی، شادی انصاریان و نگار داوری اردکانی (Bamshadi et al., 2018) به رشته تحریر در آمده و در شماره ۲۲، پائیز ۱۳۹۷ مجله مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران به چاپ رسیده است. همچنین از گیتی تاکی و همکاران (Taki et al., 2014) مقاله‌ای با نام «بررسی ساخت‌واژی و معنایی پسوند -گر در زبان فارسی» یافتیم که در مجله مطالعات و گویش‌های غرب ایران، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۲ منتشر شده است. بی‌گمان، پژوهش‌های بسیاری در این حوزه زبان‌شناسی، در پیوند با زبان فارسی انجام شده که ما به چند نمونه اشاره کردیم، ولی در ارتباط با مطالعه تطبیقی این تکواژها در فارسی -فرانسه مقاله یا کتابی نیافتیم.

۴. علم صرف و واژه‌سازی

علم صرف در کنار واج‌شناسی، نحو و معناشناسی یکی از چهار سطح مطالعاتی زبان است که به

مطالعه ساخت‌واژی و صورت واژه‌ها می‌پردازد و چگونگی ترکیب تکواژها و تولید نوواژه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. از صرف یا واژه‌سازی می‌توان به عنوان یکی از راه‌های اصلی توسعه دایره واژگان بیشتر زبان‌ها نام برد که با توجه به شرایط تولید نوواژه‌ها به آن نیاز دارند. احمد شفایی (Shafai, 2008) علم صرف را فرایندی دانسته که «در وهله نخست به بررسی اجزا کلام و در مرحله بعدی به بررسی خصوصیات شکل ظاهری و تغییرات حاصله در آن شکل‌ها» می‌پردازد (Shafai, 2008, p. 7).

در برخی از منابع زبان‌شناسی (Crystal, 1988, p. 381; Bauer, 1983, p. 30; Akmajian, 1997, p. 29) نیز علم صرف یا واژه‌سازی در معمول‌ترین مفهومی «به کل فرایندهای تغییر صرفی در تشکیل واژه‌ها اطلاق می‌گردد [...] واژه‌سازی از اصول نظام‌مند ساخت واژه پیروی می‌کند. بدین مفهوم که واژه‌های پیچیده‌تر از رهگذر قواعدی که بر روی واژه‌های ساده‌تر اعمال می‌شوند، به وجود می‌آیند و برعکس واژه‌های پیچیده می‌توانند به کلمات ساده‌تری که آن‌ها را تشکیل می‌دهند تجزیه شوند.» (Abolhasani & Pooshaneh, 2011, p. 2).

با توجه به تعاریف اشاره‌شده، می‌توان گفت صرف «مطالعه ساختمان واژه و صورت‌های مختلف واژه‌ها و چگونگی ساخته شدن آن‌ها در زبان است.» (Shaghaghi, 2008, p. 9). پس هرگاه گفته می‌شود که «آزمایشگاه» از «آزمایش + گاه» و یا در زبان فرانسه «laboratoire» از «labor+ -atoire» ساخته شده، مطالعه صرفی و به طور دقیق‌تر اشتقاقی انجام گرفته است. در پایان، لازم به گفتن است که بنا بر دیدگاه شقاقی «هدف نهایی مطالعات صرفی، دست یافتن به نظریه‌ای است که دو منظور را برآورده سازد: نخست اینکه بتوان به کمک این نظریه، ساختمان واژه در زبان مورد مطالعه را توصیف کرد و ابزاری برای شناسایی انواع واژه اعم از بسیط و غیر بسیط، عناصر سازنده واژه‌های غیر بسیط و همچنین قواعد ساخت واژه را فراهم آورد؛ افزون بر این، چنین نظریه‌ای باید بتواند موارد استثنایی و شرایط حاکم بر ساخت‌های رایج را نیز توصیف کند؛ دوم، دست یافتن به نظریه‌ای است که قدرت توصیف و تبیین حوزه صرف دستور جهانی را داشته باشد. به این معنا که بتوان بر مبنای آن ساختارهای صرفی زبان‌ها و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها و انواع گوناگونی‌های صرفی را بیان کرد» (Shaghaghi, 2008, p. 9).

۴. ۱. ساختار واژگان

زبان‌شناسان همواره ساختمان واژه‌ها به ویژه، واژگان غیر بسیط و ساختار آن‌ها را مورد توجه قرار داده و به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. در واقع، با توجه به شمار بسیار واژه‌ها در هر زبان و در

عین حال «امکان‌گرینش و به کارگیری آسان و سریع آن‌ها در گفتار نمی‌توان تصور کرد که واژه‌ها به طور بی‌نظم در ذهن سخن‌گویان انباشته شده باشند. معمولاً سخن‌گویان در هر موقعیت واژه‌های مورد نیاز خود را به آسانی و به سرعت بر می‌گزینند و در گفتار به کار می‌برند و همچنین به هنگام شنیدن، آن‌ها را به راحتی باز می‌شناسند. به همین سبب، به نظر می‌رسد که واژگان با نظم خاصی در ذهن سخن‌گویان جایگزین شده باشند.» (Meshkato-Dini, 2005, p. 8).

به باور اچیسون (Aitchison, 1994) این گنجینه ذهن «فرهنگ ذهنی» نام دارد که با آن‌چه در فرهنگ لغات می‌آید، تفاوت دارد، چرا که در فرهنگ لغات، واژه‌ها پشت سر هم قرار گرفته و «اطلاعات اندکی درباره کاربرد واژه در ساختمان جمله و این که در کدام ساخت‌های نحوی به کار می‌روند داده می‌شود. در حالی که واژگان ذهنی چنین اطلاعاتی را در اختیار گویشوران زبان قرار می‌دهند تا آن‌ها به درستی واژه‌ها را در بافت‌های مناسب به کار برند.» (Aitchison, 1994, p. 12-13). اما این امر چگونه رخ می‌دهد؟ بی‌گمان با توصیف و توضیح فرایند اشتقاق می‌توان پاسخ مناسبی به این پرسش داد؛ چرا که یکی از راه‌های کارآمد نظام‌مند کردن واژگان در انبار ذهن و یافتن ارتباط میان آن‌ها فرایند صرف و واژه‌سازی اشتقاقی به کمک تکواژهای وابسته‌ای است که «وند» نامیده می‌شوند.

واژه‌سازی در هر زبان با روش‌های گوناگونی چون ترکیب، اشتقاق، تکرار، تبدیل به صفر، اختصارسازی، سرواژه‌سازی، گسترش استعاری و موارد مشابه انجام می‌گیرد، ولی هیچ‌یک از این فرایندها با میزان زیادی اشتقاق که با استفاده از «وندها» انجام می‌پذیرد، امکان‌برابری ندارد. فرایند اشتقاق به گویشور این امکان را می‌دهد تا با استفاده از واژه‌های ذخیره‌شده در انبار ذهن و در چهارچوب قوانین و قالب‌های زبانی موجود، واژه‌های جدید بسازد و این امر را امکان‌پذیر می‌سازد تا گویشور واژه‌های بالقوه و محتمل را از واژه‌های نامحتمل به راحتی تشخیص دهد (Plag, 2002, p. 55). در واقع، خصوصیت زیادی این فرایند امکان تولید واژه‌های جدید و یا درک واژه‌هایی که در گنجینه زبانی گویشگران وجود ندارد، را برایشان فراهم می‌کند. زیرا «تولیدات واقعی کلمات پیچیده (غیر ساده) صرفی اکثراً با اعمال قوانین صرفی (افزودن وند) بر کلمات پایه که در واژگان ذهن گوینده هستند، صورت می‌پذیرد.» (Alavi Moghaddam, 2007, p. 153). بنابراین، «هر چه فرایندی زیاتر باشد معنای آن قابل پیش‌بینی‌تر است و می‌توان با کنار هم گذاشتن معنای تک تک اجزا به معنای کل آن کلمه پی برد.» (Shaghghi, 2008, p. 43).

برای نمونه، پیشوندهای نفی «بی-»، «نا-» و «غیر-» در زبان فارسی به اسم پیوسته شده و

صفت می‌سازند و معادل آن‌ها در زبان فرانسه «-im»، «-ir»، «-in» و «-dés» به صفت متصل شده و حاصل عملکرد صفت دیگری با معنای متضاد خواهد بود، با این نظم می‌توان معنای بسیاری از واژه‌ها را درک کرد، حتی اگر گویشور برای نخستین بار با این واژگان روبه‌رو شود. به بیان دیگر، در واژگان مشتق معنای تک تک اجزای واژه یعنی تکواژها و وندها به این امر کمک می‌کند تا گویشور نظام کارآمد واژگانی را در ذهن‌اش بسازد، همان گونه که در مثال‌های «بی‌ادب» و «impoli»، «بی‌قاعده» و «irrégulier»، «ناحقی» و «injuste»، «نافرمان» و «désobéissant»، «غیر قابل کنترل» و «incontrôlable»، «غیر قابل مشاهده» و «invisible» مجموعه‌ای از معنا و کاربرد دست به دست هم می‌دهند تا گویشور آن واژه را درک کند. بنابراین می‌توان گفت که «فرایندهای صرفی کلمات منظم تولید می‌کنند» (Alavi Moghaddam, 2007, p. 151) و وندها به عنوان واحدهای معنادار و جزء اصلی دخیل در این فرایند در غنی‌سازی واژگان هر زبان نقش به‌سزایی دارند.

۴.۲. اشتقاق و تولید نوواژه‌ها

«توانش زبانی گویشوران این امکان را به آنان می‌دهد که در صورت نیاز و به فراخور وضعیت موجود دست به واژه‌سازی بزنند.» گویشوران یک زبان چنانچه به هنگام احساس نیاز به واژه‌ای برای بیان مفهوم مورد نظر خود واژه‌ای در گنجینه واژگان ذهنی‌شان نیابند بلافاصله با استفاده از فرایندهای واژه‌سازی زایا یا حتی با استفاده از الگوهای کمیاب و نادر و به قیاس دست به واژه‌سازی می‌زنند.» (Shaghghi, 2008, p. 84) طبعاً نوواژه‌ها به این ترتیب متولد شده و به مرور در دسته واژگان رایج زبان قرار می‌گیرند تا جایی که حتی گاهی به فرایند اشتقاق آن‌ها توجهی نمی‌شود.

یکی از ابزارهایی که برای این کار در اختیار زبان قرار دارد، قطعاً فرایند اشتقاق است که نمونه‌های آن به فراوانی در دو زبان فارسی و فرانسه به چشم می‌خورد. اشتقاق را می‌توان به نوعی وندافزایی تعریف کرد. وندها «تکواژهای وابسته‌ای هستند که به اجبار به یک پایه متصل می‌شوند تا واژه یا صورت کلمه را بسازند و با توجه به جایگاه و چگونگی پیوستن‌شان به پایه به انواع پیشوند، میان‌وند و پسوند تقسیم می‌شوند و بر اساس فرایند ساخت‌واژی دو دسته قرار می‌گیرند: وندهای تصریفی و وندهای اشتقاقی.» (Shaghghi, 2008, p. 67).

وندهای تصریفی که تعدادشان نیز محدود است، فقط نقش دستوری دارند و هرگز واژه جدید خلق نمی‌کنند بلکه فقط صورت دیگری از واژه موجود را فراهم می‌آورند و با مفاهیم دستوری و نحوی سر و کار دارند؛ مفاهیمی چون جمع، زمان، شمار و شخص و موارد مشابه به کمک

وندهای تصریفی به پایه افزوده می‌شوند (Shaghghi, 2008, p. 71)؛ ولی وندهای اشتقاقی که در فرایند اشتقاق کاربرد دارند برای ساختن واژه‌های جدید به کار می‌روند که مدخل واژگانی فرهنگ‌های لغت را تشکیل می‌دهند. سلطانی گرد فرامرزی (Soltani Gord Faramarzi, 1998) نیز بر این اساس وندها را در دسته حروف صرفی قرار داده و چنین می‌گوید:

این حروف را از این جهت صرفی نام نهاده‌اند که هر گاه به کلمات افزوده شوند در نوع معنایی آن کلمات دگرگونی به وجود می‌آید. پس در واقع حروفی هستند که برای گرفتن معنایی جدید، آن‌ها را به کلمات می‌پیوندند، اما اساساً در جمله نقشی مستقل برعهده نخواهند داشت، بلکه در معنایی کلمات، جدا از نقش آن‌ها در جمله مؤثرند (Soltani Gord Faramarzi, 1998, p. 190).

بنابراین وندها یک شبکه معنایی را در بر می‌گیرند و به باور ژرژ مونین (Mounin, 1965 Tamine, 1982; quoted in) «شبکه معنایی چون بخشی از واژگان معنی می‌شود که به یک مفهوم و تصور کلی اشاره دارد.» (Tamine, 1982; quoted in Mounin, 1965, p. 38). به باور مونین (Mounin, 1963) «هر واژه مشتق در ابتدا یک ساختار معنایی مشخص در سطح علم صرف ارایه می‌دهد که با وندها و شبکه معنایی شان ارتباط دارد. این ساختار معنایی معمولاً قابل پیش‌بینی است چرا که وندها بر اساس یک سری قوانین مشخص به یک پایه متصل می‌شوند.» (Mounin, 1963, p. 141). البته گاهی معادل واژگان ساخته شده با این وندها در زبان دیگر غیر مشتق است، برای نمونه، معادل «incorrect» در فارسی «غلط» است که از نظر معنایی در همان شبکه قرار می‌گیرد.

موضوع پژوهش ما نیز در چهارچوب وندهای اشتقاقی است که واحدهای معناداری هستند که «نقش واژه‌سازی دارند به این معنا که واژه جدید می‌سازند و کاربردشان سمایی است یعنی با همه اعضای یک مقوله از کلمات به کار نمی‌روند [...] و از نظر محل قرار گرفتن در مقایسه با وندهای تصریفی، معمولاً به پایه نزدیک‌ترند و غالباً مقوله کلمه را تغییر می‌دهند.» (Kalbassi, 2008, p. 24). این نکته نیز لازم به یادآوری است که تمام وندهای اشتقاقی پس از اتصال به پایه، مقوله آن را تغییر نمی‌دهند مانند پسوند «-e» در (لبه، دسته، پایه و موارد مشابه) که به اسم پیوسته شده و اسم دیگری می‌سازد و یا پسوند /-atoire/ در زبان فرانسه با نقش مکان سازی که جایگزین پسوند اسمی لاتین /-atorium/ در واژه «crématorium» شده و فرآورده عملکرد همچنان اسم باقی می‌ماند «crématoire» به معنای «محل سوزاندن اجساد در گورستان»، ولی زبان‌شناسان «به سبب فراوانی چنین رویدادی از تغییر مقوله به منزله معیار شناسایی استفاده

می‌کنند.» (Shaghghi, 2008, p. 54). اکنون، با این پیش‌زمینه به بررسی دو تکواژ پسوندی /-oir/ و /-atoire/ در زبان فرانسه و نحوه تولید واژگانی آن‌ها می‌پردازیم.

۵. تکواژ /-oir(e)/

/-oir(e)/ در زبان فرانسه تکواژی اسم‌ساز است که در تولید گستره وسیعی از واژه‌ها به کار می‌رود، زمینه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد و معمولاً اسم مکان، ظرف مکان و اسم ابزار می‌سازد. همچنین این تکواژ عمل یا فعلیتی را که مصداق آن در ریشه واژه وجود دارد در قالب این اسامی (ظرف، مکان و ابزار) توصیف می‌کند.

۵. ۱. تکواژ /-oir(e)/: اسم مکان ساز

پر بسامدترین واژه‌های مشتقی که با این تکواژ ساخته می‌شود نام مکان است که خود به دو گروه دسته‌بندی می‌شود:

یکم - مکان به معنای واقعی کلمه، جایی که در آن عملی یا فعلیتی (که به وسیله ریشه واژه مشتق بیان شده) انجام می‌گیرد، مانند «abattoir» (کشتارگاه) که از ریشه فعل «abattre» (کشتن، سلاخی کردن) گرفته شده و مکانی است که در آن عمل کشتن یا سلاخی کردن انجام می‌گیرد، یا «patinoire» (محل انجام پاتیناژ) که از ریشه فعل «patiner» (پاتیناژ کردن) گرفته شده و مکانی است که در آن پاتیناژ انجام می‌دهند. نمونه‌های دیگر، در فهرست زیر قابل مشاهده هستند:

1. a) Affinoir (m.) (Anc.) → affin (affiner کردن تصفیه کردن، /-oir/ + (پالایش کردن، تصفیه‌خانه

b) Comptoir (m.) → compt (compter شمردن، حساب کردن، /-oir/ + (حساب کردن، شماردن، پیشخوان (بانک، بار، کافه)

c) Confessoire → confess (confesser اعتراف کردن، /-oir/ + e → اتاقک (اعتراف (در کلیسا)

d) Couloir (m.) → coul (couler راه افتادن، جریان داشتن، /-oir/ + (جریان داشتن، راه افتادن، راهرو)

e) Dépotoir (m.) → dépôt (dépoter دپو کردن، /-oir/ + (انبار کردن، دپو کردن، انبار، محل

دپو

f) Dortoir (m.) → dort (dormir خوابیدن، /-oir/ + (خوابیدن، خوابگاه)

g) Fumoir (m.) → fum (fumer سیگار کشیدن، /-oir/ + (سیگار کشیدن، محل سیگار کشیدن،

سالن سیگاری‌ها

h) Isoleur (m.) → isol (isoler کردن، قرنطینه کردن) + /-oir/ → اتاقک
رأی‌نویسی (اتاقکی قرنطینه شده که رأی‌دهندگان برای تضمین درستی انتخابات از آن استفاده می‌کنند)

i) Lavoier (m.) → lav (laver (شستن رخت و لباس) + /-oir/ → رختشورخانه

j) Manoir (m.) → man (demeurer = واژه فرانسه قدیمی «manoir») + /-oir/ → اقامت کردن
+ سکونت کردن

-oir → محل سکونت، خانه اربابی

k) Parloir (m.) → parl (parler کردن، گفت‌وگو کردن) + /-oir/ → اتاق
گفت‌وگو

l) Perchoir (m.) → perch (percher قرار گرفتن، نشستن) + /-oir/ → لانه و محل
نشستن پرندگان، محل استقرار رئیس مجلس

m) Réservoir (m.) → réserv (réserver کردن ذخیره) + /-oir/ → مخزن (محل
ذخیره)، منبع، باک اتومبیل

n) Trottoir (m.) → trott (trotter (راه رفتن) + /-oir/ → پیاده‌رو

واژه‌هایی که با این پسوند در قالب اسم مکان ساخته می‌شوند، همگی از پایه فعل مشتق شده‌اند و البته نمونه‌هایی نیز وجود دارد که از واژه لاتین مشتق شده باشند، در این مشتقات پسوند /-oir/ مستقیماً جایگزین پسوند لاتین معادل خود می‌شود؛ به این معنا که پسوندهای لاتین /-orium/ و /-arium/ که در این زبان خود پسوندی مکان‌ساز هستند، بدون هیچ واسطه‌ای جای خود را به پسوند مکان‌ساز فرانسه /-oir/ می‌دهند.

2. a) Auditoire (m.) → audit (audit+orium (محل تجمع) + /-oire/ → سالن سخنرانی، سالن کنفرانس، تالار
(مشتق شده از واژه لاتین)

b) Prétoire (m.) → prêt (praet+orium (شورای دادرسی) + /-oir/ → دادگاه، اتاق دادرسی

c) Territoire (m.) → territ (territ+orium (خاک، زمین) + /-oir+e/ → سرزمین، قلمرو

دوم- این تکواژ برای ساختن اسم مکان به معنای مجازی آن و یا ظرف مکان نیز به کار می‌رود، یعنی اسمی را می‌سازد که مکان و یا ظرف وقوع ریشه واژه را بیان می‌کند. مانند «mémoire» (حافظه) که از فعل «mémoriser» (حفظ کردن، به یاد سپردن) گرفته شده و مکانی برای وقوع

فعل بیان شده است. در واقع این مکان مجازی است که اطلاعات انسان یا رایانه را حفظ می‌کند و یا «tiroir» (کشو) از فعل «tirer» (کشیدن) که ظرف مکانی است که ریشه فعل «tirer» در آن انجام می‌گیرد و برای نگهداری اشیاء به کار می‌رود، ولی هیچ‌یک به عنوان مکان به معنای واقعی نیستند. نمونه‌های زیر در این دسته قرار می‌گیرند:

3. a) Abrevoir (m.) → abreuv (abreuver آب دادن، سیراب کردن) + -oir →

آبشخور

b) Baignoire (f.) → baign (baigner حمام کردن) + -oir+ e → وان

c) Bouilloire (f.) → bouill (bouillir جوشاندن، جوش آمدن، (به جوش آمدن)) + -oir+ e → کتری

d) Encensoir (m.) → encens (encenser کندر سوزاندن در کلیسا) + -oir → مجمر،

اسپندسوز

e) Mangeoire (f.) → mange (manger خوردن) + -oir+ e → آخور

f) Marquoir (m.) → marqu (marquer نشان دادن، علامت زدن) + -oir → تابلوی

نشانگر امتیازات (در ورزش)

g) Mémoire → mémo (mémoriser) + oir + e → حافظه

h) Miroir (m.) → mir (mirer صیقلی نگاه کردن) + -oir → آینه

i) Présentoir (m.) → présent (présenter نمایش دادن) + -oir →

قفسه، ویتترین

j) Répertoire (m.) → répert (repert+orium (inventaire)) + -oir →

فهرست، صورت

k) Saloir (m.) → sal (saler نمک زدن، نمک سود کردن) + -oir → ظرف مخصوص

نمک سود کردن

l) Tiroir (m.) → tir (tirer کشیدن) + -oir → کشو

m) Vendangeoir (m.) → vendange (vendanger انگور چیدن) + -oir → سبد

مخصوص انگورچینی

۵.۲. تکواژ (e)/-oir: اسم ابزار ساز

دومین گروه واژگان مشتق فرانسه که با این تکواژ ساخته می‌شوند، اسم‌هایی هستند که دلالت بر ابزار کار می‌کنند و عمل توصیف شده در ریشه واژه به کمک آن‌ها انجام می‌گیرد. مانند آب‌پاش «Arrosoir» از فعل «arroser» (آب‌پاشی کردن) که عمل آب‌پاشی به کمک آن انجام می‌گیرد؛

و یا کباب‌پز «Rôtissoire» از فعل «Rôtir» که عمل کباب کردن با آن انجام می‌گیرد. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این گروه هستند:

4. a) Accordoir (m.) → accord (accorder کردن تنظیم کردن، کوک کردن، -oir →

مترنوم، کلید تنظیم (ساز)

b) Aiguiseur (m.) → aiguise (aiguiser تیز کردن) + -oir → تراش

c) Arrosoir (m.) → arrose (arroser آب پاشی کردن) + -oir → آب‌پاش

d) Balançoire (f.) → balance (balancer متعادل نگه داشتن) + -oir + e →

الاکلنگ، تاب

e) Bassinoire (f.) → bassin (bassiner گرم کردن) + -oir + e → گرم‌کننده تخت

f) Blutoir (m.) → blut (bluter الک کردن) + -oir → الک

i) Débouchoir (m.) → débouche (déboucher (مجرا، بطری) باز کردن) + -oir →

چاه بازکن، دربازکن بطری

j) Ébranchoir (m.) → ébranche (ébrancher (هرس کردن) + /-oir/ → قیچی هرس

k) Égrappoir (m.) → égrappe (égrapper (حب کردن، دانه کردن) + /-oir/ → دانه

حب‌کن

l) Fermeoir (m.) → ferme (fermer (بستن) + -oir → قلاب

m) Hachoir (m.) → hache (hacher (چرخ کردن، ریز ریز کردن، ساطور، دستگاه خردکننده سبزیجات، چرخ گوشت

n) Mouchoir (m.) → mouche (moucher (کسی را) دماغ (کسی را) بینی (کسی را) پاک کردن، دم‌خاک (کسی را) + /-oir/ → دستمال گرفتن

o) Nageoire (f.) → nage (nager (شنا کردن) + /-oire/ → باله ماهی

p) Passoire (f.) → passe (passer (رد شدن، عبور کردن) + /-oire/ → آب‌کش، صافی

q) Pressoir (m.) → presse (presser (میوه) آب گرفتن) + /-oir/ → آبمیوه‌گیری

r) Rasoir (m.) → ras (raser (تراشیدن) ریش) + /-oir/ → ریش‌تراش

s) Rôtissoire (f.) → rôtit (rotir (کباب کردن) + /-oir + e/ → کباب‌پز

t) Séchoir * (m.) → séché (sécher (خشک کردن) + /-oir/ → ابزاری برای خشک کردن (مو، دست، لباس و موارد مشابه)

u) Semoir (m.) → sem (semer (بذر پاشیدن، بذر افشاندن) + /-oir/ → ماشین بذر افشان

لازم به گفتن است که در این گروه از واژگان، واژه «séchoir» در دو معنا به کار می‌رود: هم به وسیله‌ای گفته می‌شود که قابلیت خشک کردن چیزی را داشته باشد، در این صورت با واژه دیگری ترکیب شده و واژه مرکب می‌سازد مانند «sèche-linge» به معنای «طناب بند»؛ «-sèche-cheveux» به معنای دستگاهی برای خشک کردن مو؛ «sèche-mains» به معنای دستگاه مخصوص خشک کردن دست در سرویس‌های بهداشتی عمومی. در معنای دیگر، به مکانی گفته می‌شود که در آنجا غلات و دیگر مواد غذایی را خشک می‌کنند. در فارسی به عنوان یک وام‌واژه به وسیله‌ای گفته می‌شود که برای خشک کردن موها به کار می‌رود.

گروهی از اسامی دیگر هستند که با ساختار مشابه و به کمک این تکواژ ساخته می‌شوند (یعنی ریشه فعل + -oir) و نام اشیا هستند، ولی با توجه به کارکردشان در دسته بالا قرار نمی‌گیرند یعنی مصداق معنایی فعل را نمی‌توان در آن‌ها تشخیص داد، مانند مثال‌هایی که در زیر آمده‌است:

5. a) Accessoire (m.) → access (accessorius (افزوده شده) +
-oir+e → لوازم جانبی، ملحقات

b) Bavoir (m.) → bav (baver (راه افتادن (کسی) + oir → پیش‌بند

c) Plongeoir (m.) → plonge (plonger (شیرجه زدن در آب، غوطه‌ور شدن در آب، -oir
→ تخته شیرجه

زیر مجموعه دیگر این گروه که تکواژ /-oir/ در آن‌ها دیده می‌شود، واژه‌های مختلفی هستند که نمی‌توان آن‌ها را دسته‌بندی نمود، زیرا معمولاً اسم معنی را در بر می‌گیرند مانند gloire (افتخار)، victoire (پیروزی). مذکر و مونث این دسته از واژه‌ها با تکواژ /-e/ مشخص می‌شود، ولی امکان وجود استثناء را هم نباید در نظر نگرفت. لازم به گفتن است که /-oir/ در این واژه‌ها پسوند به شمار نمی‌آید و جزئی از واژه بوده که از ریشه لاتین گرفته شده‌است.

6. a) Devoir (m.) → بدهی → *dēbēre* (devoir) از واژه لاتین

b) Espoir (m.) → امید → *speres* (espérer) از واژه لاتین

d) Gloire (m.) → افتخار → *gloria* (gloire, réputation, renom, renommée) از

واژه لاتین

e) Pouvoir (m.) → توانایی، قدرت → *potere* (pouvoir) از واژه لاتین

f) Savoir (m.) → دانش → *sapēre*, (avoir de la saveur) از واژه لاتین

i) Victoire (f.) → پیروزی → *victoria*, de victor (vainqueur) از واژه لاتین

این تکواژ در مصدر برخی از افعال فرانسه نیز مشاهده می‌شود، با این تأکید که در این جا نیز -/

۳۳۰ / نگاهی به شبکه معنایی دو تکواژ ... در زبان فرانسه با رویکرد تطبیقی / جلیلی مرنند و ...

Oir/ پسوند نیست بلکه علامت مصدر فعل‌های گروه سوم است و نمی‌توان آن را از فعل جدا کرد.
7. Asseoir, croire, pouvoir, savoir, vouloir, valoir, voir, ...

۶. تکواژ /-atoire/-

لازم به گفتن است که برخی واژه‌ها در زبان فرانسه ظاهراً از نظر شنوایی به پسوند /-oir/ ختم می‌شوند ولی با نگاهی عمیق‌تر متوجه می‌شویم که تکواژ پسوندی آن‌ها /-atoire/ است و نه /-oir/. به بیان دیگر، این دو تکواژ را می‌توان هم‌آوای تقریبی نامید. پسوند /-atoire/ اسم مکان‌ساز و صفت‌ساز است.

۶.۱. تکواژ /-atoire/-: اسم مکان‌ساز

این تکواژ نیز مانند تکواژ پیشین، اسم مکان‌ساز است. اما در این نقش، یعنی مکان‌سازی، بسیار کم بسامدتر از تکواژ /-oir/ عمل می‌کند و تعداد واژه‌های بسیاری را در بر نمی‌گیرد. برای نمونه، واژه‌های مشتق زیر را برگزیده‌ایم تا به فرایند اشتقاق این تکواژ در نقش مکان‌سازی بپردازیم:

8. a) Conservatoire (m.) → conserv (conservatorium (مشتق شده از واژه لاتین
هنرکده/هنرستان موسیقی → -atoire) (محل حفظ و نگهداری)
- b) Crématoire (m.) → crém (crematorium (محل
محل سوزاندن اجساد در گورستان → -atoire) (سوزاندن)
- c) Giratoire (m.) → gir (gyraturum (محل چرخش و گردش
فلکه، میدان → -atoire)
- d) Laboratoire (m.) → labor (laboratorium (محل کار و
آزمایشگاه → -atoire) (آزمایش)
- e) Observatoire (m.) → observ (observatorium (محل
→) (رصد کردن، مشاهده کردن)
رصدخانه → -atoire)
- f) Oratoire (m.) → or (oratorium (محل عبادت و پرستش
→) (نمازخانه → -atoire)

همان گونه که روشن است اسم‌های مکانی که با این تکواژ ساخته شده‌اند، همگی از واژه‌های لاتین با معنای یکسان مشتق می‌شوند و در واقع در این ساختار تکواژ /-atoire/ به جای تکواژ لاتین /-atorium/ و /-atum/ می‌نشیند که خود تکواژ مکان‌ساز در زبان لاتین هستند.

۲.۶. تکواژ /-atoire/ : صفت ساز

تکواژ /-atoire/ به غیر از اسم، صفت هم می‌سازد و در این کارکرد بسیار پربسامدتر از کارکرد مکان‌سازی نمایان شده‌است، به همین سبب، عموماً به عنوان تکواژ صفت‌ساز شناخته می‌شود. برای نمونه، واژه‌های زیر را بررسی می‌کنیم:

9. a) Délibératoire (adj.) → délibér + -atoire → مشورتی، شورایی

Example: Examen délibératoire امتحان مشورتی

b) Diffamatoire (adj.) → diffam + -atoire → افترا آمیز، تهمت آمیز

Example: Article diffamatoire مقاله تهمت آمیز

c) Discriminatoire (adj.) → discrim + -atoire → تبعیض آمیز

Example: Mesures discriminatoires اقدامات تبعیض آمیز

d) Eliminatoire (adj.) → elimin + -atoire → حذفی، حذف کننده

Example: Note éliminatoire یادداشت حذفی

e) Emancipatoire (adj.) → émancip + -atoire → رهایی بخش

Example: Thérapie émancipatoire درمان رهایی بخش

f) Épuratoire (adj.) → épur + -atoire → پالایش کننده، تصفیه کننده

Example: Système épuratoire سیستم پالایش کننده (پالایشگر)

g) Exhortatoire (adj.) → exhort + -atoire → تشویقی، ترغیبی

Example: Lettre exhortatoire نامه تشویقی

h) Hallucinatoire (adj.) → hallucin + -atoire → توهمی، هذیانی

Example: Vision hallucinatoire بینش توهمی

i) Obligatoire (adj.) → oblig + -atoire → اجباری، الزامی

Example: Ecole gratuite et obligatoire مدرسه رایگان و اجباری

j) Ondulatoire (adj.) → ondul + -atoire → موجی، موجی شکل

Example: Mouvement ondulatoire du son حرکت موجی صدا

k) Préparatoire (adj.) → prépar + -atoire → مقدماتی

Example: Cours préparatoire کلاس یا درس مقدماتی

l) Rotatoire (adj.) → rot + -atoire → چرخشی، دَوْرانی

Example: Mouvement rotatoire حرکت دَوْرانی

در بررسی اولیه، گمان می‌رفت که صفات ساخته شده با تکواژ /-atoire/ مانند تکواژ /-oir/ از ریشه برخی از افعال گروه اول مشتق شده‌اند مانند «diffamer»، «discriminer»، «épurer»، «préparer»، «délibérer»، «obliger»، «onduler» و موارد مشابه؛ ولی با بررسی دقیق‌تر و ریشه‌ای واژه‌ها مشخص شد صفت‌هایی که با تکواژ /-atoire/ ساخته شده‌اند همگی از اسم مشتق شده‌اند؛ اسم‌های مؤنثی که خود با تکواژ /-ation/ شکل گرفته‌اند و فقط با جایگزینی تکواژ صفت‌ساز /-atoire/ به جای تکواژ اسم‌ساز /-ation/ گروه دستوری واژه تغییر کرده و از اسم، صفت ساخته می‌شود. نمونه‌های زیر به روشنی بیانگر این موضوع هستند:

10. a) Classificatoire (adj.) → classific (classification طبقه‌بندی) + /-atoire/
→ طبقه‌بندی‌کننده، مربوط به طبقه‌بندی

هر چند، فعل مورد نظر «classifier» (طبقه‌بندی کردن) است.

b) Confiscatoire (adj.) → confisc (confiscation عمل مصادره کردن) + /-atoire/
→ مصادره‌ای

این در حالی است که فعل مورد نظر confisquer (مصادره کردن) است.

c) Identificatoire (adj.) → identific (identification یکسان‌سازی، شناسایی) + /-atoire/
→ شناسایی‌کننده

با این وجود، فعل مورد نظر identifier (شناسایی کردن، یکسان دانستن) است.

e) Invocatoire (adj.) → invoc (invocation یاری طلب) + /-atoire/ → یاری طلب
اگر چه، فعل مورد نظر invoquer (به یاری طلبیدن، متوسل شدن) است.

f) Masticatoire (adj.) → mastic (mastication عمل جویدن) + -atoire → جویدنی
این در حالی است که فعل مورد نظر mastiquer (جویدن) است.

j) Natatoire (adj.) → nat (natation شنا) + -atoire → مربوط به شنا
هر چند، فعل مورد نظر «nager» (شنا کردن) است.

h) Negatoire (adj.) → neg (negation نفی، انکار) + -atoire → نفی‌کننده
با این وجود، فعل مورد نظر «nier» (نفی کردن، انکار کردن) است.

i) Révocatoire (adj.) → révoc (révocation ابطال، لغو، فسخ) + -atoire → فسخ‌کننده، باطل‌کننده

اگر چه، فعل مورد نظر révoquer (فسخ کردن، باطل کردن) است.

j) Sacrificatoire (adj.) → sacrific (sacrifice ایثار، فداکاری) + -atoire → فداکارانه، ایثارگرانه

این در حالی است که فعل مورد نظر sacrificier (فداکاری کردن، ایثار کردن) است.

k) Sternutatoire (adj.) → sternut (sternutation عطسه) + -atoire → عطسه‌آور، عطسه‌زا

هر چند، فعل مورد نظر éternuer (عطسه زدن) است.

البته وجود استثنائات را نیز نباید نادیده گرفت مانند «dédicatoire» که اگرچه از اسم مونث dédicace (f.) ساخته شده ولی اسمی بسیط است که فاقد تکواژ اسم ساز /-ation/ است.

11. Dédicatoire (adj.) → dédic (dédicace تقدیمی که در کتاب یا رساله دکتری می‌آید) + -atoire → اهداکننده

در حالی که فعل مورد نظر dédier (تقدیم کردن) است.

همچنین نبود ریشه فعلی متناسب در برخی صفات ساخته شده با تکواژ پسوندی /-atoire/ و یا مشتق شدن آن‌ها از اسامی لاتین این باور را تأیید می‌کند که اشتقاق با این تکواژ صفت‌ساز از طریق اسم انجام می‌گیرد که نمونه‌های زیر گویای این باور است:

12. a) Impréatoire (adj.) → impréation (نفرین، لعنت) عدم وجود ریشه فعلی متناسب لعنت‌آمیز → و مشتق شده از اسم

b) Phonatoire (adj.) → phonation عدم وجود ریشه فعلی متناسب و مشتق شده از اسم مربوط به تولید آوا، آوایی → (تولید آوا)

c) Probatoire (adj.) → probation عدم وجود ریشه فعلی متناسب و مشتق شده از اسم آزمایشی، سنجشی → آزمون، آزمایش)

d) Giratoire (adj.) → giration عدم وجود ریشه فعلی متناسب و مشتق شده از اسم چرخشی، دَوْرانی → (چرخش، دَوْران)

e) Novatoire (adj.) → novation عدم وجود ریشه فعلی متناسب و مشتق شده از اسم ابتکارآمیز → ابتکار، نوآوری)

f) Aléatoire (adj.) → aléa (اتفاق) عدم وجود ریشه متناسب و مشتق شده از اسم لاتین (اتفاق، شانسی → پیشامد)

j) Dilatoire (adj.) → dilatorius (تاخیری، تاخیرانداز → وقت دیگری واگذار شده)

با بررسی این نمونه‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که فقدان ریشه فعلی متناسب در برخی صفات ساخته‌شده با تکواژ پسوندی /-atoire/ و یا مشتق شدن آن‌ها از اسامی لاتین سبب شده تا اشتقاق با این تکواژ صفت‌ساز در زبان فرانسه به وسیله اسم انجام بگیرد.

۷. نتیجه‌گیری

بررسی تحلیلی پیکره پژوهش، امکان یافتن پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در آغاز را برای ما فراهم نمود. در مثال‌هایی که برای گروه‌های مختلف واژه‌های گردآوری شده ارائه شد، به این نتیجه رسیدیم که پسوند /-oir/ فقط اسم‌ساز است. این پسوند، دو نوع اسم را با یک ساختار نحوی از آن خود کرده‌است: اسم مکان و اسم ابزار که با استفاده از این تکواژ از ریشه فعل مشتق می‌شوند. لازم به گفتن است که موفق به یافتن هیچ صفتی در زبان فرانسه با این پسوند نشدیم. تکواژ پسوندی /-atoire/ با وجود شباهت آوایی با تکواژ اول، کاربردی کاملاً متفاوت دارد؛ یعنی به عنوان پسوند صفت‌ساز شناخته می‌شود؛ صفت‌هایی که فاعلی هستند و مفهوم انجام عملی را به موصوف خود نسبت می‌دهند. اگرچه تعداد انگشت‌شماری از اسم‌های مکان نیز با این پسوند در زبان فرانسه وجود دارد که همگی از ریشه لاتین گرفته شده‌اند.

پسوند اول /-oir/ با پیوستن به ریشه افعال، واژه‌هایی جدید تولید می‌کند، در حالی که پسوند دوم /-atoire/ خود از اسم‌های مشتق (که الزاماً مونث هستند و عموماً به پسوند اسم‌ساز /-ation/ ختم می‌شوند)، مشتقات جدید می‌سازد. به این معنا که پسوند دوم در نقش پسوند صفت‌ساز، مقوله واژه را تغییر داده و از اسم، صفت تولید می‌کند. روی هم رفته، می‌توان گفت که تکواژ -/atoire/ پسوندی جایگزین‌شونده است که فقط به جای پسوند اسمی می‌نشیند؛ چه آن‌جا که جایگزین پسوند لاتین شده و اسم مکان می‌سازد، مانند «observatoire» (رصدخانه) و چه آن‌جا که جایگزین پسوند اسمی شده و صفت می‌سازد مانند «giratoire» (دورانی).

در پیوند با ساختار نحوی و معادل‌هایی که برای واژگان مشتق از هر دو تکواژ مورد بررسی در زبان فارسی یافته‌ایم، می‌توان جمع‌بندی به صورت زیر ارائه کرد: معادل ساختار نحوی تکواژ -/oir/ در فارسی در بیشتر موارد فرآورده فرایند اشتقاق است و تکواژهای پسوندی «-گاه»، «-رو»، جایگزین این تکواژ فرانسه هستند مانند پالایشگاه «affinoir» (این واژه در فرانسه قدیمی است)، خوابگاه «dortoir»، راهرو «couloir» و قلمرو «territoire». گاهی نیز واژه‌های فارسی ساختار مرکب دارند، در این صورت، پسوند /-oir/ با اسم فارسی «خانه» جایگزین می‌شود. مانند رختشورخانه «lavoir» و سلاخ‌خانه «abattoir» و یا به صورت مضاف و مضاف‌الیه به کار می‌روند مانند زمین پاتیناژ «patinoire» و اتاقک اعتراف برای «confessoir» که به دلیل معنای

ضمنی نهفته در واژه با «ک» تصغیر همراه شده است. هنگامی که این تکواژ اسم مکان مجازی و ظرف مکان می‌سازد، تنوع معادل‌های فارسی قابل توجه است. مانند کشو «tiroir»، کتری «bouilloire»، وان «baignoire» که اسم‌های بسیط هستند، آبشخور «abreuvoir» اسم مشتق و سبد مخصوص انگورچینی «vendangeoir» که در فارسی به صورت شبه‌جمله معادل‌یابی شده است.

به عنوان تکواژی که اسم ابزار می‌سازد، معمولاً معادل‌های فارسی /-oir/ یا واژه‌های مرکب هستند مانند آب‌پاش «arrosoir»، آبمیوه‌گیری «pressoir»، کف‌گیر «écumoire» که با بن فعل ساخته شده‌اند و یا واژه‌هایی که به صورت مضاف و مضاف الیه (ترکیب اضافی) به کار می‌روند که جزء دوم تعریفی از مصداق معنایی ریشه واژه را به جزء اول نسبت می‌دهد. مانند قیچی هرس «ébranchoir»، ماشین بذرافشان «semoir». در میان این معادل‌ها، واژه‌های بسیط نیز به چشم می‌خورد مانند قلاب «fermoir»، تراش «aiguiseur» و یا دستمال «mouchoir» که با توجه به معنای ضمنی نهفته در ریشه واژه برگزیده شده‌اند.

در پیوند با تکواژ /-atoire/، معادل‌های فارسی واژه‌های معمولاً واژگان مشتق هستند. مانند آزمایشگاه «laboratoire»، رصدخانه «observatoire». در حالت صفت‌ساز آن مشتقات گوناگونی وجود دارد مانند افتراآمیز «diffamatoire»، رهایی‌بخش «émancipatoire» که این‌ها نیز از بن مضارع فعل مشتق شده‌اند. گاهی نیز مشتقات با فرایند پسوند افزایی انجام گرفته‌اند. به این معنا که پسوند «-ی» صفت‌ساز در فارسی جایگزین تکواژ فرانسه /-atoire/ شده و با پیوستن به اسم ریشه، صفت ساخته است مانند اجباری «obligatoire»، مقدماتی «préparatoire» چرخشی «rotatoire» و موارد مشابه.

روی هم رفته، برای این دو تکواژ پسوند ساز در فرانسه، گستره وسیعی از پسوند‌های فارسی به عنوان معادل آن‌ها ارائه می‌شود و این امر نشان بارزی از غنای زبان فارسی از جنبه واژگانی، نحوی و شبکه معنایی آن‌ها است.

فهرست منابع

- ابوالحسنی، زهرا و آتنا پوشه (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی فرآیندهای واژه‌سازی در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۷۰ ش در ژانر سیاسی مطبوعات» زبان‌پژوهی. سال ۲. شماره ۴. صص ۱-۳۱.
- بامشادی، پارسا و فریا قطره (۱۳۹۶). «چندمعنایی پسوند -ی فارسی: کندوکاوی در چارچوب ساختواژه ساختی». جستارهای زبانی. دوره ۸. شماره ۷. صص ۲۶۵-۲۸۹.
- بامشادی، پارسا، شادی انصاریان و نگار داوری اردکانی (۱۳۹۷). «چندمعنایی پسوند -انه فارسی: رویکرد

- ساختاژه ساختی». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. دوره ۶. شماره ۲۲. صص ۲۱-۳۹. پرمون، یدالله، منا محمد هاشمی و صدیقه گوشه (۱۳۹۴). «پسوند گذشته ساز در لری کهگیلویه و بویراحمد و رفتار تلفظی آن». *زبان پژوهی*. سال ۷. شماره ۱۵. صص ۴۳-۶۴.
- تاکی، گیتی، پاکزاد یوسفیان و ابراهیم مرادی (۱۳۹۲). «بررسی ساخت واژگی و معنایی پسوند -گر در زبان فارسی». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. سال ۱. شماره ۳. صص ۱-۲۲.
- دهخوارقانی، ساناز و ناهید جلیلی مرند (۱۳۹۹). «از تکواژ تا واژه: رویکرد تطبیقی نام مشاغل در زبان فارسی و فرانسه». *زبان پژوهی*. دوره ۱۲. شماره ۳۶. صص ۳۷-۶۰.
- رضائی، حدائق و عادل رفیعی (۱۳۹۵). «بررسی شبکه معنایی پسوند مکان‌ساز «گاه» با رویکردی شناختی». *زبان پژوهی*. سال ۸. شماره ۱۸. صص ۱۰۷-۱۲۳.
- سلطانی گرد فرامرزی، علی (۱۳۷۶). *از کلمه تا کلام (دستور زبان فارسی به زبان ساده)*. تهران: مبتکران.
- شفائی، احمد (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: مؤسسه انتشارات نوین.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- علوی مقدم، بهنام (۱۳۸۶). «صرف و واژگان: واژه سازی و زیایی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۳. شماره ۵. صص ۱۴۹-۱۵۷.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۷). *ساخت اشتقاقی واژه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۷۸). «تکواژ «خانه» و عملکرد معنایی آن در ساخت واژه زبان فارسی». *زبان و ادب پارسی*. سال ۴. شماره ۹ و ۱۰. صص ۱۸۳-۱۹۱.
- مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)*. تهران: سمت.
- منشی زاده، مجتبی (۱۳۸۴). «بازسازی تکواژ مجهول‌ساز در گذشته زبان فارسی». *زبان و ادب پارسی*. شماره ۲۶. صص ۵-۹.

References

- Abolhasani, Z., & Pooshaneh, A., (2011). The comparative study on word formation processes in two decades of 1960 & 1990 AP in political genre of press. *Journal of Language Research*, 2 (4), 1-31 [In Persian].
- Aitchison, J., (1994). *Words in mind- an introduction to the mental lexicon*. Oxford: Blackwell.
- Akmajian. A. (1997). *Linguistics: An introduction to language and communication*. Cambridge: MIT Press.
- Akmajian. A., Demers, R. A., Farmer, A. K., & Harnish, Robert. M. (2010). *Linguistics: An introduction to language and communication*. Cambridge: MIT Press.
- Alavi Moghaddam, B. (2007). Morphology and lexicon: Word formation and productivity. *Journal of Language and Linguistic Studies*, 3 (5), 149-157 [In Persian].
- Bamshadi, P., Ansarian, Sh., & Davari Ardakani, N. (2018). The polysemy of suffix "-ane": A construction morphology approach. *Journal of Western Iranian*

- Languages and Dialects*, 6 (22), 21-39 [In Persian].
- Bamshadi, P., & Ghatreh, F. (2018). The polysemy of suffix “-i”: an exploration within the construction morphology. *Language Related Research*, 8 (7), 265-289 [In Persian].
- Bauer, L. (1983). *English word formation*. Cambridge: CUP.
- Crystal, D. (1988). *A dictionary of linguistics and phonetics*. Oxford: Blackwell.
- Dehkharghani, S., & Djalili Marand, N. (2020) From morphemes to words: A comparative approach to study profession names in Persian and French, *Journal of Language Research* 12 (36), 37-60 [In Persian].
- Kalbassi, I. (2008). *The derivational structure of word in modern Persian*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Mahmoodi, B. (2000). Morpheme “home” and its semantic function in the construction of Persian Language Dictionary. *Literary Text Research*, 4 (9), 183-191 [In Persian].
- Meshkato-Dini, M. (2005). *Persian grammar: The lexical categories and merge*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Monshi Zadeh, M. (2006). Reconstruction of passive suffix in middle Persian Languages. *Literary Text Research*, 9 (26), 5-9 [In Persian].
- Mounin, G. (1963). *Les problèmes théoriques de la traduction*. Paris: Gaillmard.
- Parmon, Y., Mohammadi Hashemi, M., & Goshe, S. (2015). Past-making suffix in Lori dialect of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad and its articulation behaviour. *Journal of Language Research*, 7 (15), 43-64 [In Persian].
- Plag, I. (2002). *Word-formation in English*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rezaee Hadaegh Rafiee, A. (2016). A study of the semantic network of “-gah” Suffix of location in Persian: A cognitive perspective. *Journal of Language Research*, 8 (18), 107-123 [In Persian].
- Shafai, A. (2008). *Scientific foundations of Persian grammar*. Tehran: Novin publishing institute. [In Persian].
- Shaghghi, V. (2008). *An introduction to morphology*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Soltani Gord Faramarzi, A. (1998). *From word to speech (Persian grammar explained in simple way)*. Tehran: Mobbakeran [In Persian].
- Taki, G., Yousefyan, P., & Moradi, E. (2014). Investigating the morphological structure and meaning of “-gar” in Persian. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 1 (3), 1-22 [In Persian].
- Tamine, J., (1982). Introduction à la lexicologie: les structures sémantiques du lexique. *L'information grammaticale*, 15, 37-39.